

رویکردهای اخلاقی به سقط جنین

سحر نعمتی*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۱۲

چکیده

این مقاله، با روش کتابخانه‌ای و رویکردی توصیفی و تحلیلی و با هدف معرفت‌افزایی در باب سقط جنین تدیون یافته است. در رابطه با سقط جنین چند رویکرد مطرح است: یکی از این رویکردها، رویکردهای اخلاقی همچون رویکرد محافظه‌کارانه است که معتقد است: سقط جنین، کشتن انسانی بی‌گناه است و این عملی کاملاً غیراخلاقی و ناپذیرفتنی است. رویکرد دیگری با نام آزادی خواهان، هیچ دلیلی برای غیراخلاقی بودن سقط جنین نمی‌بینند و سقط جنین را در هر شرایطی جایز می‌دانند. در نهایت رویکرد اعتدالی، در مواردی که جنین هنوز کاملاً شکل نگرفته، آن را اخلاقاً جایز دانسته و در مواردی که جنین به قالب انسانی در آمده است، سقط آن را غیراخلاقی برشمرده‌اند. شرع مقدس اسلام نیز با استناد به آیات قرآن کریم و روایات از حیات جنین، از هنگام استقرار نطفه در رحم زن تا تبدیل شدن آن به جنین حمایت کرده و سقط جنین را غیراخلاقی دانسته است، بنابراین، از میان رویکردهای مطرح، رویکرد اخلاقی محافظه‌کاران بیشترین مطابقت را با نظر اسلام در رابطه با سقط جنین را دارا است.

کلیدواژه‌ها: سقط، جنین، رویکرد اخلاقی، رویکرد محافظه‌کاران، رویکرد آزادی خواهان، رویکرد اعتدال‌گرایان

مقدمه

سقط جنین یکی از مسائل مهم در جوامع مختلف بشری است که بنا بر بررسی‌های صورت گرفته در دیدگاه‌های مختلف بشری، از گسترده‌ترین و پیچیده‌ترین مسائل و مشکلات در عصر حاضر محسوب می‌شود؛ چرا که دغدغه‌های فراوانی را برای خانواده‌ها و زنان ایجاد می‌کند. سقط جنین گاه بدون اهداف و گاه به دلایل درمانی و... برای جلوگیری از ایجاد ضررهای احتمالی، بر خانواده‌ها و نیز جامعه تحمیل می‌شود، اما آن چه که واضح و مبهم است این است که سقط جنین در واقع کوشش انسان در جهت نابودی نسل خود است که از لحاظ اخلاقی کار شایسته و قابل تأییدی نیست. از سوی دیگر در شرع اسلام از حیات جنین از هنگام استقرار نطفه در رحم زن و آغاز مراحل رشد و تبدیل شدن آن به علقه، مضغه و... حمایت شده است؛ چرا که از بین بردن آن در هر مرحله‌ای، باتوجه به نص صریح آیات قرآن کریم و نیز روایات معصومین علیهم‌السلام غیراخلاقی و غیرانسانی محسوب می‌شود.

اهمیت بحث و پرداختن به سقط جنین به جهت اخلاقی زمانی آشکار می‌گردد که وجود دلایل غیراخلاقی و مسائل اجتماعی مانند داشتن فرزند زیاد، مخفی نمودن روابط نامشروع، تجاوز به عنف و... زمینه مساعدی را برای سقط جنین در میان زنان باردار فراهم آورده است. از این رو، به نظر می‌رسد که بحث در رابطه با رویکردهای اخلاقی در سقط جنین ضروری باشد.

مکاتب مختلف رویکردهای اخلاقی گوناگونی ارائه کرده‌اند که می‌توان به رویگرهایی چون محافظه‌کاران، آزادی خواهان و اعتدالی اشاره نمود. از سوی



دیگر، دین اسلام نیز ارزش خاصی برای نوع انسان قائل است. بنابراین، در بحث سقط جنین به رویکردهای اخلاقی پایبند هست، حال سؤالی که پیش می‌آید این است که رویکردهای اخلاقی سقط جنین چیست؟ و اینکه کدام یک از رویکردها با نظر شرع مقدس اسلام همخوانی دارد؟

نوشتار حاضر با روش کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی-تحلیلی، سعی دارد منحصراً رویکردهای اخلاقی سقط جنین و نیز احکام خاص آن را با توجه به مستندات قرآنی و تفسیری آن بیان کند تا گامی مؤثر در جهت آگاهی بخشی در باب مسائل اخلاقی سقط جنین بردارد.

مفهوم‌شناسی

۱. جنین

«جنین» در لغت به معنای آنچه پوشیده و پنهان است (قرشی بنایی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۶۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۳، ص ۹۲؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۲۲۶) و به بچه در رحم مادر نیز از آن روکه پوشیده و پنهان است، جنین گفته می‌شود (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۴۲۱). بنابراین، محصول حاملگی که مبدأ آن استقرار نطفه در رحم و انتهای آن لحظه ماقبل ولادت است، به دلیل اینکه به وسیله رحم و زاهدان مادر پوشیده است، جنین نامیده‌اند (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۴۲۱).

در اصطلاح علوم زیستی و جنین‌شناسی، به موجود حاصل از لقاح از سه تا هشت هفتگی رویان و پس از هشت هفتگی تا زمان تولد، جنین گفته‌اند (مؤسسه دائرة المعارف الفقه الاسلامی، ۱۳۹۴، ج ۴، ص ۴۸۷). واژه «جنین» در



متون فقهی و حقوقی مترادف با «حَمْل»، یعنی بچه در رحم مادراز ابتدای بارداری تا تولد، به کار می‌رود (حَلّی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۳۲۶). بنابراین، مفهوم «جنین» به معنای فرزند حاصل از لقاح است که قبل از تولد در رحم مادر پوشیده و پنهان است.

۲. سقط

«سقط» در لغت به معنای سقوط و افتادن (قرشی بنایی، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۲۷۷) و افکنده شدن چیزی از مکان بلند به مکان پائین و نیز هر چیز بی ارزشی که کم به حساب آید (راغب اصفهانی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۲۲۸)، آمده است. همچنین سقط به معنای اجهاض (انصاری، ۱۳۸۹، ج ۵، ص ۳۹۴)، یا انداختن جنین از رحم قبل از کامل شدن آن است (مؤسسه دائرةالمعارف الفقه الاسلامی، ۱۳۹۴، ج ۴، ص ۴۸۷). راغب اصفهانی در مفردات چنین آورده است: دو معنی فوق؛ یعنی سقوط و پستی با هم در هر دو عبارت، یعنی سقوط از بلندی و پستی و فرومایگی، معتبر است. از این رو، می‌توان گفت که عبارت، اَسْقَطَتِ الْمَرْأَةُ، درباره زنی به کار می‌رود که بچه‌اش را قبل از تولد طبیعی‌اش سقط کند و بیندازد که به آن بچه هم سَقَطُ گویند (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص: ۲۲۹).

از نظر علم پزشکی، سقط جنین به ختم حاملگی قبل از هفته بیستم بارداری، یا زمانی که جنین کمتر از ۵۰۰ گرم وزن داشته باشد، گفته می‌شود (قادری پاشا و امینیان، ۱۳۸۴، ص ۱۴۸). در اصطلاح فقها عبارت است از: اینکه زن و یا حیوانی، جنین خود را ناقص الخلقه یا قبل از تکمیل



مدت حمل به صورت مرده یا زنده که نتواند زنده بماند، چه با اختیار خود، همچون مصرف دارو و چه به غیراختیار خود، ساقط کند. فقیهان بدان اسقاط جنین و نیز اجهاز هم می‌گویند (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۳۱). بنابراین، سقط جنین پایان یافتن بارداری است در هر مرحله‌ای که زندگی و حیات نوزاد جریان دارد.

احکام فقهی سقط جنین

برخی از فقها و نیز جامعه پزشکی در مواردی خاص، سقط جنین را جایز شمرده‌اند که در ذیل به مهم‌ترین آن موارد اشاره می‌کنیم:

الف) قاعده اضطرار

برخی معتقدند: با استناد به قاعده اضطرار، حرمت سقط جنین رفع می‌شود. این گروه با استناد به آیه سوم سوره مائده که می‌فرماید: «... فَسِنِ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرِ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (مائده: ۳)؛ ... اگر کسی در محلی که قحطی طعام است به مقداری که از گرسنگی نمیرد نه زیادتیر که به طرف گناه متمایل شود می‌تواند بخورد، که خدا آمرزگار رحیم است.» در حدیث نبوی «رفع» که می‌فرماید: «رُفِعَ عَنِ أُمَّتِي تِسْعَةٌ... مَا لَا يَعْلَمُونَ وَمَا لَا يَطِيقُونَ وَمَا اضْطُرُّوا إِلَيْهِ...» (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۴۱۷). از امت من نه چیز برداشته شده است: ... آنچه توانایی آن را ندارند و آنچه از روی ناچاری انجام می‌دهند...» برخی ادعا نموده‌اند که مقتضای این ادله، رفع حرمت از سقط جنین، به هنگام اضطرار است و همان طور که فقها عموماً به ادله اضطرار برای خوردن مردار فتوا داده‌اند، در مسئله سقط جنین نیز به همین ادله تمسک



می‌شود؛ زیرا فقط امکان حفظ جان یک نفر وجود دارد، مادر در اضطراب سقط جنین، جان خود را حفظ می‌کند و این عمل وی با استناد به ادله فوق، حرمت و ممنوعیتی ندارد. در نهایت، عده‌ای بر اساس بنای عقلا، که در چنین مواردی فرد را مخیر بین دو امر می‌کنند. مادر را مخیر در سقط جنین یا حفظ جان خود می‌دانند. بنابراین، سقط جنین برای حفظ جان مادر، قبل از دمیده شدن روح، اجماعاً و بعد از دمیده شدن روح، بر اساس برخی مبانی، مجاز خواهد بود (انصاری، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۴۱).

ب) جنین نامشروع

در صورتی که حمل از راه زنا و غیرمشروع باشد و حفظ جان و حرمت و آبروی زن متوقف بر سقط جنین باشد، برخی از فقها مانند سید عبدالاعلی سبزواری، مطلقاً سقط جنین را جایز نمی‌دانند. طبق فتوای آیت الله خویی، اگر پیش از دمیده شدن روح در جنین باشد و بقای آن برای مادر حرج و مشکل داشته باشد و امکان سفر به محل دوردستی برای وضع حمل نباشد، سقط جنین جایز است (خوئی و تبریزی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۳۲) و در صورت دمیده شدن روح، سقط مطلقاً جایز نبوده و زن حامله از زنا، می‌تواند به نقطه دوری سفر کرده و در آنجا وضع حمل کند (همان، ج ۱، ص ۲۳۱).

آیت الله مکارم شیرازی در پاسخ این استفتاء که؛ دختری از زنا حامله شده است، در صورت پی بردن خانواده، احتمال کشتن وی وجود دارد، آیا می‌تواند سقط جنین کند؟ گفته است: در صورتی که واقعاً جان او در خطر باشد و جنین به چهار ماهگی نرسیده باشد، مجاز است سقط جنین کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱، صص ۲۹۵-۲۹۶).



ج) جنین ناقص

اگر جنین، ناقص الخلقه و یا معلول باشد، بنا به نظر امام خمینی، آیت الله خویی، سقط آن حتی قبل از دمیدن روح جایز نیست (موسوی خمینی، ۱۳۹۶، ج ۳، ص ۲۹۱؛ موسوی خویی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۳۱۰). همچنین، اگر جنین ناقص یا معلول، پس از تولد به طور یقین موجب عسر و حرج پدر و مادر گردد، فقط قبل از دمیده شدن روح و قبل از آنکه جنین به صورت انسان کامل دربیاید، سقط آن را جایز است (فیاض، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۴۴۰؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۸ ق. ج ۱، صص ۲۹۵-۲۹۶)؛ اما پس از دمیده شدن روح، سقط آن را جایز نمی دانند؛ زیرا جنین ناقصی که روح در آن دمیده شده است، مانند انسان کامل است و ادله حرمت قتل نفس، سقط جنین ناقص را هم شامل می شود (انصاری، ۱۳۸۹ ج ۴، ص ۴۸۸).

د) حفظ سلامت جسمی و روانی مادر

موافقان سقط جنین، در مواردی که سلامت جسمی و روانی مادر در معرض تهدید باشد، برای رعایت حقوق بشر و حقوق زن، اجازه سقط جنین می دهند. اما حفظ سلامتی جسمی و روانی مادر، از نظر شدت و ضعف، دارای مصادیق گوناگونی است:

الف) ابتلای مادر به بیماری صعب العلاج که نیاز به درمان مستمر دارد.

ب) ابتلای مادر به نقص عضو دایمی در صورت ادامه بارداری.

ج) ابتلای مادر به نوعی بیماری که به ظاهر خطرناک نبوده و حیات وی را به

مخاطره نمی اندازد (جیلی طبیبی، ۱، ش ۳۷).



از نظر فقه امامیه سقط جنین برای سلامتی جسمی و روانی مادر، اصولاً مجاز نیست و بعد از دمیده شدن روح، به دلیل آنکه این دو قاعده از قواعد در حق تمامی مکلفین است، نمی‌تواند به نفع برخی (مادر) و ضرر برخی (جنین) مورد استناد قرار بگیرد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸ ق. ص ۲۹۴)؛ اما معتقدند: اگر باقی ماندن جنین در رحم مادر، برای سلامتی مادر ضرر داشته باشد و یا موجب عسر و حرج برای او شود، به گونه‌ای که عادتاً توانایی تحمل آن را نداشته باشد، در این حالت سقط جنین پیش از دمیده شدن روح جایز بوده و پس از دمیده شدن روح مطلقاً جایز نیست (گلپایگانی، ۱۴۱۳، ص ۱۷۳).

بنا به نظر آیت الله خویی، اگر بقای جنین در رحم مادر منجر به مرگ مادر شود و پزشکان، سقط جنین را در این مورد تجویز کرده باشند، در این صورت بین وجوب حفظ جان مادر و وجوب حفظ جنین تزامم پیش می‌آید و اگر گفته شود: هیچ یک بردیگری رجحان ندارد، در این صورت مادر بین حفظ جنین و نجات جان خود از راه اسقاط جنین منخیر است (خویی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۳۲).

در جایی که باقی ماندن جنین در رحم، موجب مرگ مادر گردد و امر دایر باشد بین نجات جان مادر یا جنین، در جواز و عدم جواز سقط جنین در این مورد، میان فقها اختلاف نظر است. از نظر بیشتر فقهای شیعه، سقط پیش از دمیدن روح در جنین، جایز است؛ زیرا در این مورد حفظ حیات مادر بر حفظ جنینی که فعلاً فاقد حیات است، اولویت دارد (طباطبایی یزدی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۱۱۸). اما اگر پس از دمیده شدن روح باشد، سقط جنین جایز نیست؛ زیرا هیچ رجحان شرعی برای نجات جان مادر نسبت به جنین و برعکس وجود



ندارد. در این حالت، باید منتظر ماند که قضای الهی چه چیزی را رقم می‌زند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸ ق.ج. ۱، ص ۲۹۴). طبق دیدگاه آیت‌الله مکارم شیرازی، این مسئله از امور مشکل است؛ چراکه مادر و جنین دو نفس انسانی هستند که هیچ کدام بردیگری رجحان ندارند. بنابراین، کشتن یکی به خاطر حفظ دیگری، جایز نیست (همان، ج. ۱، ص ۲۹۴)؛ اما در جواب استفتائی، سقط جنین را فقط در صورتی که جان مادر در خطر باشد، جایز دانسته است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸، ج. ۱، ص ۹۲).

رویکردهای اخلاقی سقط جنین

سقط جنین از دشوارترین مسائل اخلاقی است و با اینکه از تاریخ آن بیش از دو هزار سال می‌گذرد، هنوز این مسئله از نظر اخلاقی جای بحث دارد. با بررسی رویکردهای مختلف در مجموع می‌توان سه رویکرد اخلاقی مهم را در قبال سقط جنین به شرح زیر برشمرد:

الف) رویکرد محافظه‌کارانه

از منظر این رویکرد، سقط جنین در واقع کشتن انسانی بی‌گناه است. این نوع کشتن، عملی کاملاً غیر اخلاقی و ناپذیرفتنی است. طبق این رویکرد، جنین هیچ تفاوتی با انسان کامل ندارد. هر حقی را که برای مادر قائل شویم، همسنگ آن را باید برای جنین نیز قائل باشیم. امتیاز این رویکرد اهمیت دادن به ماهیت انسانی جنین و آن را چون انسانی کامل دیدن است. مخالفان سقط جنین در این رویکرد، دو دلیل برای دیدگاه خود ارائه کرده‌اند: اول اینکه، جنین، از لحظه

نخست لقا ح، عضو کاملی از جامعه بشری و یک انسان کامل به شمار می‌رود. دوم قتل هر انسانی از جمله جنین، از لحاظ اخلاقی نادرست است (پالمر، ۱۳۹۶ ص ۹۴)؛ چرا که از بین بردن انسانی که می‌تواند در آینده دارای فعالیت و تجارب لذت بخش باشد، به لحاظ اخلاقی درست نیست؛ چرا که در سقط جنین، جنین از تمام فعالیت‌ها و تجربیات لذت بخشی که در آینده ممکن است مانند یک انسان کامل داشته باشد، محروم می‌شود (اسلامی، ۱۳۸۴، ص ۳۲۵). آیات متعددی از قرآن کریم در رابطه با قتل نفس وجود دارد که به نوعی از این آیات، می‌توان حرمت سقط جنین را استناد کرد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «... مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا...» (مائده: ۳۲)؛ هر کس يك انسان را بکشد، بدون اینکه او کسی را کشته باشد و یا فسادی در زمین کرده باشد، مثل این است که همه مردم را کشته...»

غرض خدای تعالی از خلقت افراد این است که نسلی را جانشین نسل سابق کند تا نسل لاحق مانند سابق، خدای را در زمین عبادت کنند. بنابراین، اگر يك فرد از این نوع کشته شود، خلقت خدا تباه شده و غرض خدای سبحان، که بقای انسانیت نسل بعد از نسل بود، باطل شده است و قاتل در مقام معارضة و منازعه با مقام ربوبی برآمده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۵۱۵). علاوه بر آیات قرآن کریم، روایات معصومین علیهم‌السلام نیز بر حرمت سقط جنین دلالت می‌کنند. به عنوان مثال، رفاعه از امام صادق علیه‌السلام چنین روایت می‌کند:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ أَشْتَرِي الْجَارِيَةَ فَرُبَّمَا اخْتَبَسَ طَمُّهَا مِنْ فَسَادِ دَمٍ أَوْ رِيحٍ فِي



الرَّحِمِ فَشَقِيَ الدَّوَاءَ لِذَلِكَ فَتَظَمْتُ مِنْ يَوْمِهَا أَفِيحُوزِي ذَلِكَ ... فَقَالَ لِي لَا تَفْعَلْ ذَلِكَ ... إِنَّ النُّظْفَةَ إِذَا وَقَعَتْ فِي الرَّحِمِ تَصِيرُ إِلَى عَلَقَةٍ ثُمَّ إِلَى مُضْغَةٍ ثُمَّ إِلَى مَا شَاءَ اللَّهُ وَإِنَّ النُّظْفَةَ ... سَقِيهَا دَوَاءً إِذَا ارْتَفَعَ ظَمُّهَا شَهْرًا وَجَازَ وَفُتْهَا الَّذِي كَانَتْ تَظْمُتُ فِيهِ (كلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۱۰۸)؛ به امام صادق علیه السلام گفتم: کنیزی خریدهام. گاهی حیض او به خاطر خرابی خون یا باد در رحم بند می آید، دوايي به این منظور می آشامد که در همان روز حیض می بیند... امام فرمودند: چنین نکن (و دوا به او نده). نطفه در رحم قرار گیرد به سوی علقه و به سوی مضغه می رود و سپس به اذن خدا مراتب جنینی خود را طی می کند ... زن اگر یک ماه حیض او بند بیاید و از وقت حیض او بگذرد، دوا نده.

البته مدافعان این رویکرد، سقط جنین را در موردی که جان مادر به شدت به خطر افتاده باشد و راهی برای نجات او جز این عمل نباشد، مجاز می دانند. بنابراین، در مواردی که جان مادر در خطر است و تنها با سقط جان او نجات می یابد، این کار مجاز خواهد بود. در آیه ای دیگر از قرآن کریم می خوانیم: «... وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ... (انعام: ۱۵۱)؛... و نفسی را که خدا کشتن آن را حرام کرده، جز به حق مکشید... از این آیه به خوبی استفاده می شود که تمام نفوس انسانی در اصل محترمند و ریختن خون آنها ممنوع است، مگر عواملی پیش آید که این احترام ذاتی را تحت الشعاع قرار دهد و مجوز ریختن خون گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۵، ص ۱۵۶).

اگر جان جنین و مادر همسنگ و هم عرض باشند، هیچ ترجیحی در میان نیست که ما را در انتخاب مادر یا جنین مجاز دارد، مگر آنکه گفته شود که جنین انسانی بالقوه و مادر شخصیتی بالفعل است. از این رو، کسانی بوده اند که با توجه به



حق حیات کامل جنین، هرگونه اقدامی برای نجات جان مادر را که منجر به سقط جنین شود، غیراخلاقی شمرده‌اند (عارفی، ۱۳۸۱، ص ۸۱). در میان فقهای حنفی مذهب، فقیهی به نام ابن نُجیم حالتی را به این شکل تصویر می‌کند و حکم هر یک را بیان می‌کند:

زنی باردار جنینش در رحمش گیر کرده و راه را بسته است و اگر قطعه قطعه نشود، بیم مرگ مادر می‌رود، در این حال اگر جنین مرده باشد این کار اشکالی ندارد و اگر زنده باشد این کار جایز نیست؛ چرا که احیای انسانی از طریق کشتن دیگری در شرع وارد نشده است (یاسین، بی تا، ص ۲۴۸).

ابن عابدین - فقیه بزرگ مالکی مذهب در توضیح این سخن می‌گوید: «اگر جنین زنده باشد و از ادامه حمل آن بر جان مادر ترسان باشیم، سقط آن جایز نیست؛ چرا که مرگ مادر امری است موهوم، پس کشتن انسانی برای امری موهوم جایز نیست (موسسه دایره‌المعارف فقه اسلامی، ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۵۷).

مدافعان این رویکرد اخلاقی چنین استدلال می‌کنند که جنین انسان، انسانی بی‌گناه است و از طرف دیگر، کشتن انسان بی‌گناه هم خطا است. پس کشتن جنین انسانی نیز خطا است. این استدلال بنیاد نگرش به مسائل زیستی و دآوری اخلاقی در رویکرد اخلاقی محافظه‌کاران شمار می‌رود (اسلامی، ۱۳۸۴، ص ۶۸).

این رویکرد شبیه‌ترین رویکرد به اسلام است. در دین اسلام نیز با توجه به آیاتی که ذکر گردید، سقط جنین، چه پیش از دمیده شدن روح در جنین و چه پس از آن، چه با رضایت والدین باشد یا بدون رضایت آنان و در هر مرحله‌ای از مراحل رشد جایز نبوده و حرام است.

ب) رویکرد آزادی خواهان

در برابر رویکرد محافظه کارانه، رویکردی دیگری به نام آزادی خواه قرار دارند که طرفداران این رویکرد، خود را مدافع حق انتخاب می نامند. آنان از منظری کاملاً آزادی خواهانه به حق سقط جنین می نگرند و هیچ دلیلی برای غیراخلاقی بودن آن نمی بینند. در این رویکرد، جنین جزئی از بدن مادر است و مادر حق تصمیم گیری در مورد بدن خود دارد. پس مادر همان گونه که در باردار شدن آزاد است، در پایان دادن به بارداری نیز آزاد است. بنابراین، تنها اشخاص اخلاقی دارای حقوق اخلاقی مانند حق حیات و حق مصونیت از قتل هستند. شخص اخلاقی، انسانی است که ویژگی هایی همچون آگاهی، تعقل، استعداد برقراری ارتباط و خودآگاهی دارد و جنین، شخص اخلاقی نیست. پس مشمول حق حیات و حق مصونیت از قتل نیست (پالمر، ۱۳۹۶ ص ۱۰۱). مرحوم طبرسی در مجمع البیان، ضمن تفسیر آیه «بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ» (تکویر: ۹)؛ که به کدامین گناه کشته شدند، می گوید: از ابن عباس نقل شده است که هنگامی که وقت وضع حمل زن فرا می رسید، حفره ای در زمین حفر می کرد و بالای آن می نشست، اگر نوزاد دختر بود، آن را در میان حفره پرتاب می کرد و اگر پسر بود، آن را نگاه می داشت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸، ج ۲۶، ص ۱۷۷). با نهایت تأسف این مسئله به اشکال دیگری در جاهلیت قرون اخیر نیز خودنمایی می کند. در شکل آزادی سقط جنین، که به صورت قانونی در بسیاری از کشورهای به اصطلاح متمدن رواج یافته، اگر عرب جاهلی بعد از تولد نوزادان را می کشت، انسان های متمدن عصر ما آن را در شکم مادر می کشند (همان، ص ۱۷۸).

از این منظر، زن آزاد است که در هر زمانی و به هر دلیلی دست به سقط جنین





بزند و هیچ قانونی، نباید مانع چنین اقدامی گردد؛ چرا که سقط جنین را امری خصوصی و مسئله‌ای شخصی می‌دانند. مدافعان این رویکرد اخلاقی، کوشش‌های متعددی به عمل آورده‌اند تا نشان دهند که جنین، انسان بالفعل نیست. از این رو، تلاش آن‌ها برای نشان دادن ویژگی‌ها و ممیزات انسان بالفعل، بدین منظور است که ثابت کنند جنین فاقد آن ویژگی‌ها بالفعل است. اگر این رویکرد پذیرفته و اجرا شود، سقط جنین در تمام مراحل بارداری حتی تا روزهای پایانی مجاز است و نمی‌توان از حق انسانی جنین برای زیستن طرفداری کرد. بنابراین، نه مشابهت جنین به انسان، نه امکان بالقوه انسان شدن آن، به هیچ روی بنیادی برای این استدلال که جنین دارای حق مهمی برای زیستن است، فراهم نمی‌آورد (وارنوک، ۱۳۸۶، ص ۱۳۷).

در نهایت اینکه به مصداق آیه کریمه «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ...» (اسراء: ۳۶)؛ چیزی را که درباره آن علم نداری، پیروی مکن...؛ انسان‌ها حق دخالت بی‌مورد در اموری که مربوط به شئون الهی هست، ندارند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۱۲۶). بنابراین، کسانی که به وسیله سقط جنین، در مقام محدود ساختن نسل برآمده‌اند، مرتکب این گناه شده‌اند. حتی اگر کسی به وسیله پیش‌گیری از بارداری و بدون سقط جنین، بدین کار اقدام کند، گناه سوءظن به خداوند و دخالت در اموری را که مربوط به خداست، مرتکب شده است و اینها همه گمراهی و دشمنی آشکار با خداوند است.

ج) رویکرد اعتدالی

رویکرد میانه و اعتدال بر آن است تا میان مراحل مختلف شکل‌گیری جنین تفاوت نهاد و در مواردی که جنین هنوز کاملاً شکل نگرفته، سقط آن اخلاقاً جایز و در مواردی که جنین به قالب انسانی درآمده، سقط آن مجاز نیست. گروهی از فلاسفه اخلاق بر این باورند که جنین در دوره‌ای که توانایی احساس درد و لذت را داشته باشد، به مثابه یک انسان کامل در نظر گرفته می‌شود. این اتفاق در سه ماهه اول بارداری رخ می‌دهد. بنابراین، سقط آن تا پیش از این دوره، به لحاظ اخلاقی جایز و پس از آن جایز نیست (اسلامی، ۱۳۸۴، ص ۳۲۵).

بدین ترتیب، این رویکرد بر آن است تا از طریق تفاوت نهادن میان مراحل بارداری در مرحله‌ای، آن را مجاز دارد و در مرحله‌ای ممنوع بداند. فلذا؛ طرفداران این رویکرد غالباً بر این عقیده بودند که جنین تا چهار ماهگی فاقد روح است و در چهار ماهگی است که روح در آن دمیده می‌شود. از یک سو، برخی از فقهای اهل سنت، سقط جنین پیش از چهار ماهگی را به همین دلیل مجاز می‌شمردند و جنین را در این مرحله، با جمادات مقایسه می‌کردند (موسسه دایره‌المعارف فقه اسلامی، ۱۳۹۴، ج ۳، ص ۱۶۲). از سوی دیگر، حرمت سقط جنین را نمی‌توان در همهٔ مراحل رشد و نمو، از آیاتی استفاده کرد که از قتل نفس منع می‌کند؛ زیرا جنین، در مراحل اولیه، فاقد روح یا نفس انسانی بوده است. بنابراین، صرفاً سقط جنینی که ولوج روح در او صورت گرفته و موجودی زنده است، مشمول آیات مزبور بوده و در حکم قتل نفس خواهد بود. از این رو، در رابطه با حرمت سقط، می‌توان به آیاتی استناد کرد که در آن قتل اولاد را منع می‌کنند (هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۴، ج ۸، صص ۳۸-۲۶): «... وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ» (انعام: ۱۵۱)؛ ... و فرزندانتان



را از ترس فقر نکشید...

اما امروزه این باور که جنین تا قبل از چهار ماهگی فاقد روح است، مورد قبول علوم زیستی نیست و سونوگرافی و دیگر آزمایش‌هایی از این دست نشان می‌دهد که جنین قبل از این زمان نیز دارای جنبش و تپش قلب بوده است، ولی به دلیل اینکه جنین در درون کیسه رحمی قرار دارد و تا قبل از چهار ماهگی بسیار کوچک و فضای حیاتی او نسبتاً بزرگ است، به راحتی صدای تپش قلب یا جنبش او شنیده نمی‌شود و عرف عادی آن را درک نمی‌کند. بنابراین، نمی‌توانند سقط جنین را در مراحل موجه و در مراحل دیگر ناموجه سازند (سلطانی نسب، ۱۳۵۶، ص ۵۹). ابن عبیده از امام باقر علیه السلام در رابطه با سقط جنین چنین روایت می‌کند:

فِي امْرَأَةٍ شَرِبَتْ دَوَاءً وَ هِيَ حَامِلٌ لِيَطْرَحَ وَلَدَهَا فَأَلْقَتْ وَلَدَهَا قَالَ إِنْ كَانَ لَهُ عَظْمٌ قَدْ نَبَتَ عَلَيْهِ اللَّحْمُ وَ شَقَّ لَهُ السَّمْعُ وَ الْبَصْرُ فَإِنَّ عَلَيْهَا دِيَةً تُسَلِّمُهَا إِلَى أَبِيهِ قَالَ وَ إِنْ كَانَ جَنِينًا عُلِقَهُ أَوْ مُضَغَةً فَإِنَّ عَلَيْهَا أَرْبَعِينَ دِينَارًا أَوْ غُرَّةً تُسَلِّمُهَا إِلَى أَبِيهِ قُلْتُ فَهِيَ لَا تَرِثُ مِنْ وَلَدِهَا مِنْ دِيَتِهِ قَالَ لَا لِأَنَّهَا قَتَلَتْهُ (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۹، ص ۳۱۸؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۳۴۴)؛ در مورد زن بارداری پرسیدم که دارومی نوشد تا جنینش را سقط کند. در حالی که شوهرش از این قضیه مطلع نیست و جنین سقط می‌شود. امام فرمود در صورتی که جنین دارای استخوان است و گوشت برتن وی روییده است (یعنی خلقای کامل شده است) باید به شوهرش دیه کامل جنین سقط شده را پرداخت نمایید. اما اگر جنین در حین سقط در مرحله‌ی علقه و مضغه باشد، باید چهل دینار بپردازد یا عبد و کنیزی را به پدر او بدهد. سپس به امام علیه عرض کردم: آیا از این دیه به زن



ارث می‌رسد؟ امام فرمود: خیر؛ زیرا زن به واسطه اینکه جنین را کشته است قاتل است و قتل مانع از ارث بردن می‌شود.

بنابراین، باتوجه به آیات و نیز روایات مطرح شده، سقط نمودن جنین در هر مرحله‌ای که باشد از لحاظ اخلاقی و به دلیل پدید آوردن عوارض و لطمات بی‌شماری برای مادر، محکوم به حرمت است و هیچ‌یک از زوجین و یا غیر آن دو، مجاز به سقط جنین در هر مرحله از حیات جنین نیستند.

نتیجه‌گیری

سقط جنین به معنای پایان یافتن بارداری و افتادن جنین از محل پوشیده‌ای است که در آن زندگی و حیات نوزاد جریان داشت. در بحث فقهی و احکام، سقط جنین در مواردی خاص همچون، قاعده اضطرار، جنین نامشروع، جنین ناقص و حفظ سلامت جسمی و روانی مادر جایز است و این موارد در صورتی اتفاق می‌افتد که سقط پیش از دمیدن روح در جنین باشد و اگر پس از دمیده شدن روح باشد، سقط جنین جایز نیست؛ چرا که در تمام موارد بالا مادر و جنین دو نفس انسانی هستند که هیچ‌کدام برد دیگری رجحان ندارند. بنابراین، کشتن یکی به خاطر حفظ دیگری بنا به هر دلیلی جایز نیست.

اما در رابطه با سقط جنین رویکردهای اخلاقی دیگری همچون؛ رویکرد محافظه کاران، رویکرد آزادی خواهان و نیز رویکرد اعتدالی وجود دارد که هر کدام نظراتی در رابطه با سقط جنین ارائه داده‌اند. از نظر دیدگاه محافظه کاران، سقط جنین در واقع کشتن انسانی بی‌گناه است که این نوع کشتن عملی کاملاً غیر اخلاقی و ناپذیرفتنی است. امتیاز این رویکرد اهمیت دادن به ماهیت انسانی



جنین و آن را چون انسانی کامل دیدن است. طبق این رویکرد، جنین هیچ تفاوتی با انسان کامل ندارد و هر حقی را که برای مادر قائل شویم، همسنگ آن را باید برای جنین نیز قائل باشیم.

در برابر رویکرد محافظه کارانه، رویکردی دیگری به نام آزادی خواه وجود دارد که خود را مدافع حق انتخاب می نامند. آنان از منظری کاملاً آزادی - خواهانه به حق سقط جنین می نگرند و هیچ دلیلی برای غیراخلاقی بودن آن نمی بینند. از نظر طرفداران این رویکرد، زن آزاد است که در هر زمانی و به هر دلیلی، دست به سقط جنین بزند و هیچ قانونی نباید مانع چنین اقدامی گردد.

رویکرد میانه و اعتدال نیز بر آن است تا میان مراحل مختلف شکل گیری جنین تفاوت نهاد و در مواردی که جنین هنوز کاملاً شکل نگرفته، سقط آن را اخلاقاً جایز بدانند و در مواردی که جنین به قالب انسانی در آمده، سقط آن را جایز نمی دانند. از این رو، طرفداران این رویکرد غالباً بر این عقیده بودند که جنین تا چهار ماهگی فاقد روح و سقط آن جایز است و در چهار ماهگی است که روح در آن دمیده می شود و سقط جنین را جایز نمی دانند. اما امروزه این باور مورد قبول علوم زیستی نیست. بنابراین، نمی توانند سقط جنین را در مراحل اولیه و در مراحل دیگر ناموجه سازند.

از سوی دیگر، شرع مقدس اسلام با استناد به آیات قرآن کریم و روایات معصومین علیهم السلام از حیات جنین، از هنگام استقرار نطفه در رحم زن و آغاز مراحل رشد و تبدیل شدن آن به علقه، مضغه و... حمایت کرده است. به این دلیل که سقط جنین از لحاظ دینی و اخلاقی کار شایسته و قابل تاییدی

نیست؛ زیرا به نوعی تلاش و کوشش انسان در جهت نابودی نسل خود است. از میان رویکردهای بیان شده، رویکرد محافظه کاران نزدیک ترین و شبیه ترین رویکرد به دین اسلام است؛ چرا که این رویکرد مثل شرع مقدس اسلام، سقط جنین را در هر مرحله ای که باشد، عملی کاملاً غیراخلاقی معرفی می کند. برخلاف رویکرد آزادی خواه که سقط جنین را تحت هر شرایطی مجاز دانسته است و یا رویکرد اعتدالی که میان مراحل مختلف شکل گیری جنین تفاوت گذاشته و سقط جنین را منوط به وجود شرایط و ضوابط خاص می داند.



منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۶۲، الخصال، محقق: غفاری، علی اکبر، قم: جامعه مدرسین
۲. ابن فارس، أحمد بن فارس، ۱۴۰۴ق.، معجم مقاییس اللغة، محقق: هارون، عبد السلام محمد، قم: مکتب الاعلام الاسلامی
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق.، لسان العرب، محقق: میردامادی، جمال الدین، چ سوم، بیروت: دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع- دارصادر
۴. اسلامی، سیدحسن، ۱۳۸۴، «رہیافت های اخلاقی به سقط جنین؛ یک بررسی موردی»، نشریه ۵ باروری و ناباروری، دوره ۶، ش ۴، پاییز
۵. —، ۱۳۸۴، «شبه سازی درآیین کاتولیک»، نشریه هفت آسمان، شماره ۲۷، پاییز
۶. آلوسی، محمود بن عبدالله، ۱۴۱۵، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، محقق: عبدالباری عطیه، بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون
۷. انصاری، محمد علی، ۱۳۸۹، الموسوعه الفقہیہ، بیروت: مجمع الفکر الاسلامی
۸. —، ۱۴۱۶، فراید الاصول فی تمییز المزیف عن المقبول، مصحح: نورانی، عبدالله، چ پنجم، قم: مؤسسۃ النشر الإسلام
۹. پالم، مایکل، ۱۳۹۶، مسائل اخلاقی، مترجم: آل بویه، علیرضا، چاپ چهارم، تهران: سمت
۱۰. جبلی طبیبی، مرتضی، ۱۳۸۲، «بررسی و نقد و نظریه جواز سقط جنین از منظر

فقه‌های امامیه»، نامه مفید، ش ۳۷، مرداد و شهریور

۱۱. حرعاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق.، وسائل الشیعه، محقق: مؤسسه آل البيت علیهم‌السلام، قم: مؤسسه آل البيت علیهم‌السلام
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۷۴، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، مترجم: خسروی، غلامرضا، محقق: خسروی حسینی، غلامرضا، چ دوم، تهران: مرتضوی ۱۳. سلطانی نسب، رضا، ۱۳۵۶، جنین شناسی انسان، بررسی تکامل طبیعی و غیرطبیعی انسان، تهران: انتشارات ققنوس
۱۴. طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۷۴، ترجمه تفسیرالمیزان، مترجم: موسوی، محمد باقر، چ پنجم، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی
۱۵. طباطبائی یزدی، سید محمد کاظم، ۱۳۹۲، العروه الوثقی، مترجم: قمی، شیخ عباس، تهران: دینا
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مصحح: یزدی طباطبایی، فضل الله ورسولی، هاشم ف چ سوم، تهران: ناصر خسرو
۱۷. طریحی، فخرالدین بن محمد، ۱۳۷۵، مجمع البحرین، محقق: حسینی اشکوری، احمد، چ سوم، تهران: مرتضوی
۱۸. عارفی، علی، ۱۳۸۱، «رساله‌ای در مورد سقط جنین»، فصلنامه پژوهش و حوزه، سال سوم، ش دهم، تابستان
۱۹. علامه حلی، حسن بن یوسف، ۱۴۱۴، تذکره الفقهاء، چاپ اول، قم موسسه آل البيت علیهم‌السلام لاًحیاً التراث
۲۰. فیاض، محمد اسحاق، ۱۳۷۸، منهاج الصالحین، چ سوم، قم: مکتب آیه الله محمد اسحق الفیاض
۲۱. قادری پاشا، مسعود و زهرا امینیان، ۱۳۸۶، «بررسی مجوزهای سقط جنین

- صادرشده در اداره کل پزشکی قانونی استان کرمان در سال ۱۳۸۴ و مقایسه اجمالی با سال‌های قبل»، مجله دانشگاه علوم پزشکی کرمان، ش دوم
۲۲. قرشی بنایی، علی اکبر، ۱۴۱۲، قاموس قرآن، چ ششم، تهران: دارالکتب الاسلامیه
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷، الکافی (ط - الإسلامیه)، محقق: علی اکبر غفاری و دیگران، چ چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامیه
۲۴. گلپایگانی، سید محمد رضا، ۱۴۱۳، ریال،.، إرشاد السائل، بیروت: دارالصفوه
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۸، احکام پزشکی مطابق با فتاوی آیت الله مکارم شیرازی، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام
۲۶. ناصر، ۱۳۷۱، تفسیر نمونه، مصحح: جمعی از نویسندگان، چ دهم، تهران: دارالکتب الإسلامیه
۲۷. ناصر، ۱۴۲۸، بحوث فقهیه هامه، قم: مدرسه الامام علی ابن ابی طالب علیه السلام
۲۸. مهربانی، علی، ۱۳۸۰، «بررسی جرم سقط جنین، نشریه دادرسی تهران»، ماهنامه شماره ۲۸، سال پنجم، مهر و آبان
۲۹. مؤسسه دائرة المعارف الفقه الاسلامی، ۱۳۷۸، فرهنگ فقه فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (علیهم السلام) (فرهنگ فقه فارسی)، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی
۳۰. موسسه دایره المعارف فقه اسلامی، ۱۳۹۴، موسوعه الفقه الاسلامی، قم: موسسه دایره المعارف فقه اسلامی
۳۱. موسوی خمینی، روح الله، ۱۳۹۶، استفتائات امام خمینی (ره)، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)



۳۲. موسوی خوئی، سید ابوالقاسم و تبریزی، جواد، ۱۳۹۰، احکام جامع مسایل پزشکی، چ اول، قم: دارالصدیقه الشهیده
۳۴. —، ۱۴۱۶ق.، المسائل الشرعیه: استفتاءات، العبادات، چاپ اول، بیروت: دارالزهراء
۳۵. موسوی سبزواری، عبدالاعلی، ۱۴۱۳، مهذب الأحکام، قم: دارالتفسیر
۳۶. هاشمی شاهرودی، محمود، ۱۳۷۴، فقه اهل بیت علیهم السلام (فقه فارسی)، محقق: جمعی از نویسندگان، چ اول، قم: ایران مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی
۳۷. وارنوک، مری، ۱۳۸۶، آگزیستانسیالیسم و اخلاق، مترجم: مسعود، علیا، تهران: انتشارات فتنوس
۳۸. یاسین، محمد نعیم، «احکام اجهاز الحمل»، مجله الشریعه، سال ۶، شماره ۱۳

